

مقاومت زندگی است!

فوریه ۲۰۱۶

□ تمامی خبرها و گزارش‌ها حاکی از آن است که دولت ترکیه جنگی نابرابر و خونین را به «حزب کارگران کردستان» و توده‌ی مردم در این منطقه تحمیل کرده است؛ دلایلی که توسط دولت ترکیه برای این توحش افسارگسیخته اعلام می‌شود، چیست؟

بهرام رحمانی: رجب طیب اردوغان، نخست وزیر سابق و رییس جمهوری کنونی ترکیه، در سال ۲۰۱۲ مذاکراتی را با عبدالله اوجان، رهبر زندانی «حزب کارگران کردستان» (پ ک ک)، آغاز کرد. اما در روزهای پایانی جولای ۲۰۱۵، با حمله ارتش و نیروهای امنیتی ترکیه به «پ ک ک» و مردم کردستان ترکیه، این مذاکرات نه تنها قطع شد، بلکه در شهرهای کردستان یک مقاومت قدرت مند و توده‌ای مسلحانه راه افتاد که هنوز هم ادامه دارد.

نیروهای سیاسی فعال کردستان، به ویژه شهرداری‌ها، هم‌زمان با حملات ارتش اعلام کردند که دولت و قوانین آن در نزد مردم کردستان اعتبار و وجهه سیاسی و قانونی خود را از دست داده‌اند؛ بنابراین خود مردم باید سرنوشت خویش را به دست گیرند. در این راستا، شوراهای مردمی دموکراتیک محلی در دیاربکر و بیست نقطه‌ی دیگر کردستان اعلام خودمدیریتی دموکراتیک اعلام کردند.

پس از آن دولت و ارتش سرکوب‌های خود را تشدید کردند، به طوری که تنها در یک هفته، بیش از هزار نفر را دستگیر و زندانی کردند. اعمال جنایت‌کارانه‌ی ارتش و نیروهای امنیتی دولت ترکیه، در مناطق کردنشین بی حد و حساب است. در چند ماه اخیر، هزاران شهروند عادی در هجوم ارتش و نیروهای امنیتی کشته و زخمی و یا دستگیر شده‌اند. محلات چند شهر کردنشین که در آن اعلام خودمدیریتی شده، با توپ و تانک ویران شده است. وحشی‌گری به حدی است که حتی اجساد جوانان کشته شده به خانواده‌هاشان تحویل داده نمی‌شود. طبق اقرار اداره‌ی امنیت ترکیه، از زمان آغاز این عملیات، حدود صد هزار نفر آواره شده‌اند. بخش اطلاعات و آمار «حزب دموکراتیک خلق‌ها» نیز دوشنبه هشتم فوریه اعلام کرد که از ماه ژوئیه ۲۰۱۵

و هم‌زمان با شدت گرفتن حملات دولت ترکیه تاکنون، چهارصد و شصت غیرنظامی در این کشور جان خود را از دست داده‌اند که در میان آن‌ها بیش از صد و شصت تن زن و کودک هستند. در واقع، حمله‌ی تروریستی در شهر مرزی سروچ به سیصد تن از جوانان سوسیالیست ترکیه و سپس کشته شدن دو پلیس ترکیه، به دولت و حزب حاکم این فرصت را داد تا هم از مردم کرد - که در انتخابات قبلی به «حزب دموکراتیک خلق‌ها» رای داده بودند - انتقام بگیرد و هم زمینه‌ی کنار زدن یا ضعیف کردن این حزب از انتخابات آینده و در نتیجه پیروزی «حزب توسعه و عدالت» از طریق تحریک حس ناسیونالیستی و مذهبی در بین مردم ترکیه را فراهم سازد. بنا به این سیاست، اردوغان دستور حمله به مواضع «پ ک ک» در شمال عراق و بازداشت فعالان کردی را صادر کرد؛ اعضای «پ ک ک» و سایر احزاب و سازمان‌های سیاسی چپ و کمونیست در سراسر کشور و هم چنین تعقیب قضایی نمایندگان «حزب دموکراتیک خلق‌ها» در مجلس را در دستور کار قرار داد؛ تا از طریق جنگ و خونریزی شاید بتواند مانع ورود نمایندگان مردم کردستان و «حزب دموکراتیک خلق‌ها» به مجلس شود. از سوی دیگر، دولت ترکیه قصد داشت تا با حمله به مردم کردستان و «پ ک ک»، آن‌ها را به واکنش نظامی و خشونت وا دارد تا مردم ترکیه، به ویژه علوی‌ها و دیگر اقلیت‌های این کشور که به «حزب دموکراتیک خلق‌ها» رای داده بودند - را از این حزب روی‌گردان ساخته و حس ناسیونالیستی و مذهبی در میان بخش‌هایی از مردم جامعه را به نقطه‌ی اوج برساند.

در انتخابات دوم سال گذشته (اول نوامبر ۲۰۱۵)، بر خلاف پیش‌بینی‌ها و نظرسنجی‌ها، «حزب عدالت و توسعه» نزدیک به پنجاه درصد رای آورد و مجدداً دولت را تشکیل داد. بر اساس اعلامیه‌ی شورای عالی انتخابات ترکیه، «حزب عدالت و توسعه» ۳۱۷ نماینده، «حزب جمهوری‌خواه خلق» ۱۳ نماینده، «حزب دموکراتیک خلق‌ها» ۵۹ نماینده و «حزب حرکت ملی» ۴۰ نماینده در بیست و ششمین دوره انتخابات پارلمان ترکیه دارند. در حالی که در انتخابات پارلمان، «حزب عدالت و توسعه» برای تحقق درخواست رجب طیب اردوغان مبنی بر تغییر قانون اساسی (در زمینه‌ی تغییر سیستم پارلمانی به ریاستی) به تعداد ۳۶۷ نماینده احتیاج داشت که در صورت اخذ ۳۳۰ نماینده و با تصویب مجلس و نیز همه‌پرسی می‌توانست به خواست خود دست یابد، اما در حال حاضر فقط می‌تواند به تنهایی دولت تشکیل دهد.

در مجموع باید بگوییم که توجیه دولت ترکیه در راه انداختن این جنگ خونین و نابرابر علیه مردم کردستان و نیروهای سیاسی آن این است که با «تروریسم» مبارزه می‌کنند. در تبلیغات آن‌ها «پ ک ک» نیز مانند «داعش» یک نیروی تروریستی قلمداد می‌شود که امنیت ملی ترکیه را به خطر انداخته است و باید از بین برود. این در حالی است که طبق اسناد و گزارشات منتشر شده، تنها در اولین روزهای حمله‌ی ارتش به مواضع «پ ک ک» در کوه‌های قندیل و کردستان عراق، هواپیماهای جنگنده‌ی ترکیه سیصد

بیش از هشت هزار دلار بدهی دارند. به عبارت دیگر، سالانه هر شهروند ترکیه‌ای باید هزار و پانصد دلار سهم خود از بهره‌ی این بدهی‌های را پرداخت کند.

بر پایه‌ی نوشته‌ی روزنامه‌ی «زمان ترکیه» و بر اساس آمار بانک مرکزی این کشور، در چند سال اخیر به طور متوسط سالانه بیش از ده میلیارد دلار بر میزان بدهی شرکت‌های خصوصی ترکیه افزوده شده تا جایی که در ماه ژوئن ۲۰۱۵، تنها بدهی‌های خارجی شرکت‌های ترکیه‌ای نزدیک به ۱۸۰ میلیارد دلار شده است و در همین مدت، لیر ترکیه بیش‌تر از بیست و پنج درصد ارزش خود را از دست داده است. به علاوه، در شش ماه نخست سال ۲۰۱۵، میزان وام‌هایی که دولت ترکیه به صورت نقدی دریافت کرد نسبت به سال قبل از آن در حدود بیست و هفت درصد افزایش داشت و در مجموع به بیست و شش میلیارد دلار بالغ شده است.

نتیجه‌ی مستقیم بحران بدهی‌ها در ترکیه به نوشته‌ی روزنامه‌ی «تودی زمان»، کم شدن ارزش پول ملی و کاهش شدید قدرت خرید است که همین امر شرکت‌های خصوصی را مجبور ساخته تا وام‌های بیش‌تری را از خارج دریافت کنند؛ البته وام دهندگان نیز این وام‌ها را با شرایط سخت‌تر و بهره‌های بالاتر نسبت به گذشته در اختیار آن‌ها قرار داده و این کشور را هم چنان بیش‌تر در باتلاق بدهی‌ها فرو می‌برند.

سرنگون کردن هواپیمای جنگنده‌ی روسی در مرز سوریه با ترکیه نیز، در کنار

تنش‌ها و پیامدهای سیاسی زیان‌بار، مشکلات اقتصادی بیش‌تری نیز برای دولت ترکیه به هم راه آورده است. اولین اقدام روسیه علیه دولت ترکیه، قطع روابط اقتصادی، بازگرداندن کارگران مهاجر ترکیه از این کشور، و تعطیل کردن تمامی تورهای مسافرتی شهروندان روسی به ترکیه بود. طبق گزارشات، سالیانه بیش از چهار میلیون توریست روسی وارد ترکیه می‌شدند و حال که این سفرها قطع شده است، بسیاری از هتل‌ها و تاسیسات توریستی ترکیه، تعطیل و یا ورشکست شده‌اند. و کل این وضعیت روشن است که به وضعیت اقتصادی و معیشتی نابسامان‌تر و نارضایتی بیش‌تر در طبقه‌ی کارگر و توده‌ی مردم دامن می‌زند.

همان‌طور که گفتیم، جنگ نابرابر و خونین علیه مردم کردستان و پیروزی در این جنگ برای دولت و حزب حاکم، یک راه برای برون‌رفت از این بحران همه‌جانبه‌ی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است.

عملیات هوایی انجام داده بودند، اما در مقابل تنها دو حمله علیه «داعش»! البته بسیاری از مردم ترکیه، نیروهای سیاسی، و حتی متحدین غربی دولت ترکیه، نیز به خوبی می‌دانند که دولت و پلیس مخفی ترکیه با نیروهای تروریستی مانند «داعش» و «جبهه النصره» روابط نزدیک اقتصادی، سیاسی و نظامی دارند و تبلیغات دولتی علیه «پ ک ک» و «حزب دموکراتیک خلق‌ها»، به عنوان نیروهای تروریستی، کم‌تر کسی را فریب می‌دهد. البته باید تاکید کنم که در کردستان ترکیه ما شاهد «تروریسم» هستیم، آن هم یک «تروریسم» تمام عیار، اما این «تروریسم» دولت ترکیه است که نه فقط علیه «پ ک ک» و «حزب دموکراتیک خلق‌ها»، بلکه علیه کل مردم کردستان در جریان است.

□ طبعاً این سیاست دولت ترکیه بدون توجه به شرایط

سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ترکیه، موقعیت دولت و حزب حاکم و توازن نیروهای اجتماعی، صورت نگرفته است. وضعیت عمومی

در ترکیه از این حیث چگونه است؟

بهرام رحمانی: در سال‌های اخیر، اعتراضات کارگران، زنان، نیروهای سوسیالیست و سکولار علیه دولت و حزب حاکم به دلایل مختلف از جمله تلاش برای نابودی «پارک‌گزی» در استانبول، انفجار در معدن سوما و جان باختن تعداد زیادی از کارگران، فساد دولتی و پول‌شویی برای

جمهوری اسلامی ایران، بستن مرزهای ترکیه در مدت محاصره و حملات وحشیانه‌ی «داعش» به کوبانی، تشدید سانسور و سرکوب روزنامه‌نگاران، تحدید آزادی‌های سیاسی و مدنی، مشکلات اقتصادی، شکست سیاست‌های منطقه‌ای و... در جریان بوده است؛ در نتیجه‌ی همه‌ی این اعتراضات و بحران‌ها، دولت و حزب حاکم چه در داخل کشور و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی سخت در تنگنا و بن‌بست قرار گرفته است و راه انداختن جنگی نابرابر و خونین علیه مردم کردستان را یک راه برای برون‌رفت از این بحران می‌داند.

به لحاظ اقتصادی نیز ترکیه کشوری است که در طی نزدیک به یک دهه‌ی گذشته به یکی از بدکارترین کشورهای جهان با بیش از ۶۴۰ میلیارد دلار بدهی تبدیل شده است. و این مقدار بدهی نزدیک به نیمی از تولید ناخالص داخلی آن را تشکیل می‌دهد. بهره‌ی این بدهی‌ها سالانه بیش‌تر از پنجاه میلیارد دلار است و هر یک از شهروندان ترکیه بر اساس آمارهای مختلف



مشارکت مردم در تعیین نحوه‌ی زندگی و سرنوشت خود مهم‌ترین هدف نیروهای سیاسی و اکثریت توده‌ی مردم در کردستان ترکیه است. سیستمی که در سه چهار سال گذشته در روزاوا (کردستان سوریه) تجربه شده و به عنوان یک طرح و سیاست راه‌گشا، برابری طلبانه و عدالت‌جویانه طرف‌داران زیادی در ترکیه، منطقه و حتی جهان به ویژه در بین نیروهای سوسیالیستی و مدافعین جنبش کارگری پیدا کرده است. اما دولت ترکیه پس از اعلام خودمدیریتی دموکراتیک، حملات خود به کردستان را تشدید کرد و چندین شهردار و عضو شوراها در شهرهایی چون «سیلوان»، «لیجه»، «شرناخ»، «شمزینان»، «سلوی» و... را به اتهام دعوت به «جدایی طلبی» و تلاش برای تضعیف «یک‌پارچگی کشور» بازداشت نمود. با این همه، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی در کردستان ترکیه و هم‌چنین مقاومت در برابر سرکوب و کشتار وحشیانه‌ی دولت ترکیه وجود دارد و از حمایت و هم‌بستگی اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های سوسیالیست و آزادی‌خواه و بخش‌هایی از مردم جامعه هم برخوردار است.

سیاست دولت ترکیه تا چه حد در موقعیت بحرانی منطقه‌ی خاورمیانه در حال حاضر، جنگ سوریه، رقابت دولت‌های سرمایه‌داری منطقه و... از یک طرف، و چشم‌فروستن دولت‌های سرمایه‌داری غرب بر سرکوب و کشتار دولت ترکیه به خاطر مساله‌ی پناهندگان و جلوگیری از ورود آن‌ها به کشورهای

اتحادیه‌ی اروپا و... از طرف دیگر ریشه دارد؟

بهرام رحمانی: قطعا این طور است. یک مساله‌ی مهم در مورد دولت ترکیه و «حزب عدالت و توسعه» آن است که سیاست‌های منطقه‌ای آن که در واقع می‌بایست پله‌ی صعود آن به عنوان قدرت برتر منطقه‌ای می‌شد، تا این جا شکست خورده و در نتیجه کارت آن برای تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای را سوزانده است. تا دو سه سال پیش بسیاری از دولت‌ها و رسانه‌های غربی از اسلام معتدل و میانه‌روی «حزب عدالت و توسعه» و دولت آن به عنوان مدل نمونه برای کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه صحبت می‌کردند، اما امروز با شکست سیاست‌های منطقه‌ای دولت ترکیه و سرکوب و خفقان و کشتاری که این دولت در خود جامعه‌ی ترکیه به راه انداخته است دیگر کسی از مدل نمونه‌ی ترکیه صحبت نمی‌کند. مورد مصر که سرمایه‌گذاری سیاسی «حزب عدالت و توسعه» و دولت آن بر روی «اخوان المسلمین» با شکست این جریان در مصر دود شد

و به طور مشخص وضعیت «حزب کارگران کردستان»، «حزب دموکراتیک خلق‌ها» و نیروهای حامی آن‌ها در کردستان و در سراسر ترکیه چگونه است؟ برخی از اتحادیه‌های کارگری ترکیه از «حزب دموکراتیک خلق‌ها» حمایت و با آن اعلام هم‌بستگی کرده بودند. آن‌ها در این میان چه نقشی دارند؟

بهرام رحمانی: اکثریت مردم کردستان ترکیه، سازمان‌ها و تشکل‌های مردمی، شهرداری‌ها، «حزب کارگران کردستان»، «حزب دموکراتیک خلق‌ها»، نیروهای سوسیالیست و کمونیست ترکیه، «کنفدراسیون کارگران انقلابی ترکیه» (دیسک)، اتحادیه‌ی زحمت‌کشان، پزشکان، مهندسان، روزنامه‌نگاران و... هر کدام با اهداف و سیاست‌های خود، مخالف سیاست‌های عمومی دولت و حزب حاکم هستند و مستقیم و غیرمستقیم از حقوق مردم کرد و دیگر اقلیت‌ها در ترکیه دفاع می‌کنند. چنین رویکردی قبل از هر چیز، بی‌اعتباری دولت و حزب حاکم و سیاست‌های آن را در میان بخش‌های وسیعی از مردم جامعه نشان می‌دهد.

اکنون در کردستان ترکیه، گام‌های هر چند کوچک، ولی موثری در راه گذار به خودمدیریتی دموکراتیک در مناطق کردنشین جنوب شرق ترکیه برداشته شده است و در این راه آگاه‌سازی مردم منطقه از مفهوم خودگردانی یا خودمدیریتی و متحد و متشکل کردن آن‌ها به طور همه‌جانبه‌ای ادامه دارد.

در حال حاضر مردم این منطقه به نوعی در کنگره‌ای به نام «کنگره‌ی جامعه‌ی

دموکراتیک» نمایندگی می‌شوند که بنا به تعریف قرار است تا زمان تشکیل پارلمان منطقه‌ای وظایف این پارلمان را عهده‌دار باشد. شهردارها و فعالین سیاسی و اجتماعی در منطقه‌ی کردستان در شرایط فعلی به آماده کردن زیرساخت نظام خودگردانی در منطقه مشغولند و در این راه شوراهای محل، شورای شهرها و روستاها را شکل می‌دهند. در چنین شرایطی ست که مردم مناطق کردنشین تصمیم دارند از طریق شهرداری‌ها و مدیریت‌های محلی به تقویت و توسعه‌ی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بپردازند و خدمات شهری، بهداشتی و آموزشی را توسعه دهند.

تاسیس مدارس پیش‌دبستانی برای آماده‌سازی کودکان جهت آموزش به زبان مادری در مدارس ابتدایی و متوسطه در کنار آموزش به زبان ترکی و زمینه‌سازی برای ورود جوانان منطقه به دانشگاه‌ها از جمله برنامه‌های آموزشی در راه گذار به خودگردانی در مناطق کردنشین ترکیه است.

در مجموع، برقراری سیستم «خودمدیریتی دموکراتیک» و



تداوم جنگ داخلی در این کشور را اعلام کرده‌اند. گذشته از این‌ها، ادامه‌ی تنش‌ها ممکن است بحران اقتصادی و بیکاری و تورم در این کشور را از این هم بیش‌تر تشدید کند و به نارضایتی و اعتراضات وسیع‌تر طبقه‌ی کارگر و توده‌ی مردم دامن بزند. روشن است که هیچ‌یک از این عوامل در درازمدت به نفع سرمایه‌داری ترکیه نیست، اختلاف و رقابت در صفوف سرمایه‌داری ترکیه را افزایش خواهد داد، یک پارچگی و هماهنگی آن را تضعیف خواهد کرد و در نتیجه از قدرت سرکوب و کشتار دولت آن هم خواهد کاست.

معضل «کرد» در ترکیه و در منطقه یک زخم قدیمی است که با هر حرکتی دهان باز می‌کند. این زخم نه به مسکن، بلکه به درمان ریشه‌ای و یک عمل جراحی اساسی در همه‌ی عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نیاز دارد و این هم فقط با یک مبارزه‌ی متحدانه و سراسری که به ویژه با حمایت طبقه‌ی کارگر و در هم بستگی با مبارزات جنبش کارگری و سوسیالیستی توأم شده باشد، امکان‌پذیر و عملی است؛ جامعه‌ای که در آن آزادی و برابری سهم همه‌ی شهروندان باشد. در غیر این صورت و در غیاب حمایت و حضور فعال جنبش کارگری و سوسیالیستی در مرکز تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه، ادامه‌ی جنگ داخلی و خفقان و سرکوب و کشتار در ترکیه اجتناب‌ناپذیر است؛ وضعیتی نگران‌کننده که عامل اصلی آن نیز دولت و حزب حاکم ترکیه است.

دولت ترکیه می‌خواست تا قبل از ذوب شدن برف‌های کوهستان، مقاومت مردم و نیروهای سیاسی کردستان را در هم بشکند و شرایط و سیاست‌های خود را به آن‌ها دیکته و تحمیل کند. اما نه تنها این مقاومت درهم نشکست، بلکه موجی از حمایت و اعتراض علیه این جنگ نابرابر و خونین را برانگیخت که روز به روز هم وسیع‌تر و گسترده‌تر می‌شود. فریادی که اکنون بر لبان اکثریت مردم کردستان جاری است، این است که: «مقاومت آغاز شده است»، «مقاومت زندگی است» و «تنها چیزی که بر ایمان باقی مانده، جنگیدن با افتخار است!» این فریاد انسانی با تداوم سیاست سرکوب و کشتار دولت ترکیه از این هم رساتر و قوی‌تر خواهد شد!

فوریه ۲۰۱۶

و به هوا رفت و همین‌طور مورد سوریه که تلاش دولت ترکیه برای سرنگونی بشار اسد بی نتیجه ماند و حمایت و هم‌کاری آن با نیروهای تروریستی مانند «داعش» به آبروریزی جهانی آن انجامید، نمونه‌هایی از شکست سیاست‌های منطقه‌ای دولت و حزب حاکم ترکیه هستند.

اما با این همه از آن‌جا که دولت ترکیه عضو «ناتو» است و به علاوه دولت‌های غربی در شرایط بحران خاورمیانه به وجود دولت‌هایی مانند ترکیه نیاز دارند، هنوز این دولت تا حدی طرف حساب دولت‌های غربی است و به عنوان یک پای معادلات این منطقه در نظر گرفته می‌شود. در دوره‌ی اخیر، آن‌چه که به «بحران پناهندگی» مشهور شده و هجوم مردم بی‌پناهی که عمدتاً از جهنم سوریه و از طریق مرزهای ترکیه به سوی کشورهای اروپایی سرازیر شده بودند نیز به دولت ترکیه امکان بازی بیش‌تری در منطقه‌ی خاورمیانه و همین‌طور در خود جامعه‌ی ترکیه و برای سرکوب و کشتار مردم در کردستان داده است. دولت ترکیه با اتحادیه‌ی اروپا توافق کرده است که با دریافت میلیاردها یورو، مانع خروج پناهندگان سوری از مرزهای ترکیه به سوی کشورهای اروپایی شود و در مقابل این کشورها نیز چشم خود را بر روی سرکوب و کشتار مردم در کردستان و تحدید روزافزون آزادی‌های سیاسی و مدنی در کل جامعه‌ی ترکیه بسته‌اند.

به یک مساله‌ی مهم دیگر هم باید در این‌جا اشاره کنم. دولت ترکیه به شدت از تحولات سیاسی در روزه‌اوا (کردستان سوریه) نگران است، از تاثیرات بیش‌تر و وسیع‌تر این تحولات در کردستان ترکیه می‌ترسد و تلاش می‌کند که با اعمال سرکوب و کشتار در کردستان ترکیه، روزه‌اوا را هم تضعیف کند. زمانی این کار را با حمایت و تقویت «داعش» در کردستان سوریه و تضيقات بسیار علیه نیروهای مبارز روزه‌اوا انجام می‌داد و الان هم به این شکل!

□ این سیاست سرکوب و کشتار نیروهای سیاسی و مردم در کردستان ترکیه تا کجا می‌تواند ادامه یابد؟ ظرفیت دولت ترکیه برای پیش‌برد این سیاست تا چه اندازه است؟ و ظرفیت مقاومت در مقابل سرکوب و کشتار آن؟

بهرام رحمانی: واقعیت این است که دولت ترکیه اعتبار خود را در نزد اکثریت مردم ترکیه، به ویژه شهروندان کرد، از دست داده است. در چنین شرایطی، اجرایی شدن طرح خودمدیریتی دموکراتیک در شهرهای کردنشین، هم‌راه با تظاهرات و اعتصاب‌های هر روزه، می‌تواند واکنش شدید ارتش و دولت و نیروهای ناسیونالیست و فاشیست ترکیه را بیش از پیش برانگیزد و از طرف دیگر این تظاهرات‌ها و اعتصاب‌ها به یک روند دائم در ترکیه تبدیل گشته و نوعی جنگ فرسایشی و جنگ داخلی در ترکیه به راه افتد.

در واقع، با توجه به افزایش تنش‌ها در ماه‌های گذشته، بسیاری از نیروهای سیاسی و توده‌ی مردم نیز نگرانی خود از بروز و